



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ورزشی صبح ایران  
 صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: مهدی رحمانیان  
 نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف  
 تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، شماره: ۸۸۸۸۰۷۱۹، تلفن آگهی: ۸۸۶۵۸۵۷۵  
 توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز، تلفن: ۵-۶۶۱۸۱۳۱۰  
 چاپ: کاراپام، تلفن: ۴۴۹۸۲۹۶۹  
 www.sharghnewspaper.ir  
 تهران: اذان ظهر ۱۳:۱۰، اذان مغرب ۲۰:۴۴، اذان صبح فردا ۴:۱۲، طلوع آفتاب ۵:۵۶

# روزنامه

شنبه ۱۸ تیر ۱۳۹۰، ۷ شعبان ۱۴۳۲، ۹ جولای ۲۰۱۱، سال هشتم، شماره پیاپی ۱۲۸۹، شماره ۳۶۵ دوره جدید، ۱۲ صفحه ۲۳ صفحه ضمیمه

## سارق «سرن» پیکاسو دستگیر شد

شرق: تنها دو روز پس از دزدیده شدن تابلو «سرن» اثر پابلو پیکاسو از گالری هنری وینستاین در مرکز سافرانسیسکو، پلیس ایالات متحده، سارق اثر را به همراه اثر در هتلی در نیپا - ایالت کالیفرنیا - بازداشت کرد. متهم ۳۰ ساله که مارک لوگو نام دارد، روز سه‌شنبه (پنجم ژوئیه) حوالی ساعت ۱۱ و ۴۰ دقیقه، این اثر ۲۷۵ هزار دلاری (۱۷۲ هزار پوند) را به سرقت برده بود که تنها دو روز پس از سرقت با ردیابی پلیس دستگیر شد.



## فرهنگ زمان ما

### جشنواره‌های در همسایگی



روبرت صافاریان

فردا هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ایروان (زرآلوی طلائی) با نمایش فیلم «کپی برابر اصل» محصول ایتالیا و فرانسه ساخته عباس کیارستمی فیلمساز پراوازه ایرانی، کار خود را آغاز می‌کند. امسال از ایران فیلم «جدایی نادر از سیمین» کار اصغر فرهادی در بخش مسابقه حضور دارد. زرآلوی طلائی واقعا با تبرک سیدهای پر از زرآلو توسط روحانیون شروع می‌شود و در پایان معمولا با رقص سنتی ارمنی به کار خود پایان می‌دهد. در هفت دوره گذشته، بسیاری از چهره‌های مشهور سینمای ایران در این جشنواره شرکت داشته و معمولا با انبانی از خاطرات خوش ایروان را ترک کرده‌اند. داریوش مهرجویی و کیارستمی در دوره‌هایی ریاست هیات داوران جشنواره را بر عهده داشته‌اند و رخشان بنی‌اعتماد، جعفر پناهی، محسن مخملباف، واروژ کریم مسیحی، ژاؤون قوکیاسیان و فیلمسازان جوان دیگر با فیلم‌هایشان برای شرکت در جشنواره زرآلوی طلائی به ایروان رفته‌اند. به این ترتیب، این جشنواره دست کم در مورد مناسبات ایران و ارمنستان به یکی از اهداف عمومی جشنواره‌های سینمایی که همانا دوستی و مرادود فرهنگی مردمان کشورهای مختلف است، دست پیدا کرده البته زمینه این نوع مبادله فرهنگی با حضور هیات‌هایی از ارمنستان در جشنواره‌های فیلم فجر و آشنایی آنها با سینمای ایران و فیلمسازان ایرانی فراهم شده است. اینجاست نقش مهم جشنواره‌ها در شکل دهی به فرهنگ زمان ما، این گونه تلمس‌های جشنواره‌ای در پایین — در برابر تماس‌های هیات‌های دیپلماتیک و دیدارهای مقامات بلند پایه سیاسی در بالا — اهمیت زیادی در آشنایی واقعی و ملموس ملت‌ها با هم دارد و در مجموع به صلح و دوستی آدم‌ها یاری می‌رساند. جشنواره‌ها این روزها از نهادهای بسیار جاافتاده برای مرادود فرهنگی هستند و اکنون جشنواره ایروان مهم‌ترین رویداد سینمایی منطقه است. در مناسبات فرهنگی ارمنستان و ترکیه هم جشنواره زرآلوی طلائی پیش قدم بوده هم به لحاظ نمایش آثار خوب فیلمسازان ترک و هم از نظر برگزاری برنامه مخصوصی برای حمایت از پروژه‌های سینمایی داستانی و مستند در زمینه مناسبات دو کشور. بنیانگذاران این جشنواره که مهم‌ترین شان هاروتیون خاچاطوریان، کارگردان فیلم موفق مرز و میکائیل استامبولتسیان، سینماتئاس و منتقد باسابقه ارمنی هستند، به موقع دست به کار شدند و خوب توانستند در این هشت سال تنور جشنواره را گرم نگه دارند و مناسبات خود را با کشورهای مختلف و فیلمسازان آنها گسترش دهند و با حضور میهمانان درجه یک از اهالی سینما به آن رونقی قابل توجه بخشیدند. امسال فیلم‌های ملاتکولیا (لارس فون تریه)، درخت زندگی (ترنس مالیک) و پینا (ویسم وندرس) در بخش خارج از مسابقه جشنواره به نمایش در می‌آیند.

اما مهم‌ترین کار جشنواره زرآلوی طلائی، نقش مهمی است که در بیداری دوباره عشق سینما و رشد فرهنگ سینمایی در خود ارمنستان پیدا کرده است. بعد از فروپاشی شوروی، ادامه تولید فیلم بلند در ارمنستان نیز مانند سایر جمهوری‌های سابق شوروی غیرممکن شد. استودیوی دولتی‌های فیلم تعطیل شد و کل سیستم تولید مبتنی بر کارگردان‌ها، بازیگران و عوامل حقوق‌بگیر استودیو در محل بودجه دولتی تضمین شده، از میان رفت. در این سال‌ها، تعداد فیلم‌های بلند تولید شده در ارمنستان از تعداد انگشتان یک دست فراتر نمی‌رود. انگیزه راه انداختن یک جشنواره سینمایی این بود که اول باید عشق سینما را به وجود آورد، نسل جوان را با فیلم‌های خوب معاصر و فیلمسازان خوب آشنا کرد، تا اشتیاق فیلم دیدن و فیلم ساختن قوت بگیرد و چون قوت فیلمسازی پیدا خواهند کرد. شاید آنها در ابتدا با فیلم‌هایی که به قصد نمایش در جشنواره‌های بین‌المللی دیگر ساخته شده‌اند، با ساختن فیلم کوتاه و مستند، یا ساختن تیزر برای تلویزیون و حتی سریال‌سازی شروع کنند، اما سرانجام مشتاقان فیلمسازی راهی باز می‌کنند برای بنای سینمای نو کشورشان. به عبارت دیگر، این اندیشه بکر پشت پرگزارای این جشنواره بوده است که نه از مقتضیات مادی، بلکه باید از فرهنگ‌سازی شروع کرد، از بنای یک فرهنگ سینمایی امروزی و گسترش مناسبات سینمایی با دنیا (و با ارمنه دیگر نقاط دنیا) و آن گاه بر پایه این فرهنگ، شرایط مادی هم فراهم می‌شود و فیلمسازان نو، فیلم‌های خود را می‌سازند. من نمی‌دانم این امر تاکنون تا چه اندازه محقق شده است، اما از تجربه شرکت در ششمین دوره این جشنواره می‌دانم که استقبال خوبی از جشنواره می‌شود و در روزهای که جشنواره برپاست، فضای ایروان سینمایی شده است.

## ۶ نکته

### آنچه من از زندگی دانستم



محمد شمس لنگرودی

شاعر و نویسنده

- ۱ زندگی چیزی نیست که تو در خواست می‌کنی، سهمی است که به تو می‌رسد.
- ۲ به هیچش نگرتم، به هیچم گرفت.
- ۳ اشکال شکست این است که با شکست تو، همه قهرمان می‌شوند و دورت را دایره‌ای از قهرمانان فرامی‌گیرند.

از این هفته شنبه‌ها گزین گوپه‌هایی از شمس لنگرودی را در ستون «۶ نکته» می‌توانید بخوانید.

## برداشت آخر

### آغاز دآوری جشن «خانه سینما»



گروه سینما: آغاز پانزدهمین جشن سینمای ایران فرصتی بود تا بار دیگر اهالی صنف دور هم جمع شوند. تعدادی از آنان با تی شرتی یک شکل آمده بودند تا تاکید کنند: «ما هستیم، یگانه‌ایم و پرشماریم». اولین نفر به قاعده مرسوم دبیر جشن این دوره «کیومرث پوراحمد» بود که یادآوری کرد: سینمای ایران نهال نازک و شکننده‌ای است که انواع و اقسام تهدیدها بالای سرش است. با اینکه جمع اضعاد هستیم هر وقت خواستیم، یگانه شدیم. عده‌ای هستند که نمی‌خواهند یگانه بمانیم، یا همان باشد بعضی‌ها می‌همانند و ما صاحبخانه‌ایم. اجازه ندهیم میهمان‌هایمان صاحبخانه‌ها تفرقه بیندازند و تا یک سال آینده ممکن است سینمایی وجود نداشته باشد که ما جشن بگیریم. منوچهر محمدی با اشاره به نگرانی این روزهای اهالی سینما و مصایب و مشکلات فراوان شده سینما گفت: تصمیمات غیر کارشناسانه برای این است که اسباب و لوازمی فراهم شود تا دوستان آدرس غلط دهند و تمام مسایل اصلی که مثل خوره

## و اما بعد...

### تنهایی دکتر منوچهر ستوده



علی دهشاهی

شمشیرگیران ازدواج کرد. در سال ۱۳۲۹ از رساله دکتری خود زیر نظر استاد بدیع الزمان فروزانفر با عنوان: (قلاع اسماعیلیه در رشته کوه‌های البرز) دفاع کرد. در سال ۱۳۳۰ بنا به دعوت انجمن فیلبریات به آمریکا سفر مطالعاتی داشت. در سال ۱۳۳۱ به عضویت The National Geographic Society درآمد. در سال بعد به عضویت انجمن ایرانی‌شناسی به ریاست ابراهیم پورداود در آمد و در سال‌های بعد آموختن زبان پهلوی را در محضر دکتر آبراهامیان آغاز کرد. همچنین نخستین کتاب خود را با عنوان (فرهنگ گیلکی) در سلسله انتشارات انجمن ایرانی‌شناسی در سال ۱۳۳۲ منتشر کرد و طی سال‌های بعد چندین سفر مطالعاتی به خارج از کشور داشت و ارتقا به درجه استادیاری دانشگاه تهران و بعد دانشیاری و انتقال به دانشکده ادبیات تهران و عضویت در گروه تاریخ و سرانجام ارتقا به درجه استادی در سال ۱۳۵۴ از جمله اتفاقات زندگی استاد در این سال‌ها بوده است. استاد ستوده طی همین سال‌ها تا سال ۱۳۸۱ در کنگره‌های مهم ایرانی‌شناسی همچون (کنگره بین‌المللی تاریخ هنر و باستان‌شناسی ایران در دانشگاه آکسفورد)، (کنگره بین‌المللی ابوریحان در پاکستان)، شرکت و سخنرانی کرد. سفر به چین و آسیای میانه از دیگر فعالیت‌های سال‌های اوایل دهه ۶۰ استاد بود. فهرست کتاب‌های دکتر ستوده ۵۲ جلد است و مقالات دکتر ستوده تا به امروز به ۲۸۶ مقاله رسیده که عناوین آنها و جای چاپش ثبت شده که در ویژه نامه بخارا در مورد استاد منتشر خواهد شد. کتاب‌ها و مقالات استاد ستوده نشانه دلپسنگی زرف و عمیق ایشان به تاریخ، دامنه و پیشینه فرهنگ ایرانی است. نزدیک به یک قرن زندگی که سراسر در عشق به زبان فارسی، تاریخ و جغرافیای سرزمین ما ایران گذشته است و چه دلپذیر و ماندگار است این زندگی. سخنان را با گفته عبدالرحمان عبادی که در شب بزرگداشت دکتر منوچهر ستوده که مجله بخارا برگزار کرد و ایشان از سخنرانان آن شب بودند به پایان می‌رسانم: «برای اولین بار یک شخصی به نام «منوچهر ستوده» آمد و یک ایرانی، خودش را لایق این کار دید که درباره این زمینه‌ها تحقیق کند. در حقیقت سوز و بزرگی را انتخاب کرد. یک سنگ برداشت. خواست بگوید یک ایرانی می‌تواند سنگ بزرگی مثل البرز کوه را انتخاب کند، ببیند، مطالعه کند، کتاب‌هایی که دربارش نوشته شده، همه را بخواند، همه را گام به گام تحقیق کند، محل به محل ببیند، با مردم معمولی این گفت‌وگو کند. تمام اینها را یادداشت کند. کتابی که امروز آقای دهشاهی گفت، حاصل زحمت یک نفر آدم است. یک ایرانی، این همت را داشته، این غرض را داشته، یک سنگ بزرگ را انتخاب کرده و این سنگ بزرگ، علامت زن بوده و زده است. به این جهت دکتر ستوده یک آدم استثنایی است»



پس از خاموشی زنده‌یاد ایرج افشار در ۱۸ اسفند سال گذشته، دکتر منوچهر ستوده در واقع دوست و یار دیرین ۷۰ ساله‌اش را از دست داد. افشار هم‌راه ایرنگردی‌ها، فیلتگردی‌های سال‌های سال ستوده بود. پیش از این هر دو، همراهان دیگری همچون: همایون صنعتی‌زاده، مصطفی مقربی، عباس زریب خویی، محمدامین ریاحی، محمدجعفر محبوب، بابک افشار و... را از دست داده بودند. دکتر منوچهر ستوده تا چند روز دیگر ۹۸ ساله می‌شود و اکنون در کوشک لور، جایی در ده‌ای مصفا که متجاوز از ۶۰ سال با ایرج افشار همسایه، همسفر و هم‌قلم بودند، اولین تابستان بدون افشار را می‌گذراند. خودش می‌گوید: «فقدان افشار در این چند ماه طور دیگری بود. اما در این تابستان و در این کوشک که نشسته‌ایم، ضربه را تازه حس می‌کنیم. پیش از نیم قرن تابستان‌ها را با هم اینجا گذرانیدیم و پذیرای دوستانی همچون: مجتبی منوی، حبیب بغمائی، غلامحسین خان مصدق، الهیار صالح، عباس زریاب، سیدحسن تقی‌زاده، دکتر یحیی و دکتر اصغر جوائی فرزندان اکنون ۵۰ ساله ما در همین کوشک و در همین دره، در کنار من، افشار و همسران‌مان گذشته است». پنج‌شنبه، شانزدهم تیر، ساعت پنج صبح با چند نفر از جوانان کوهنورد و دوستان مستندساز به عشق دیدار دکتر ستوده و برگزاری جشن تولدش (البته چند روز زودتر) در تاریکی تهران را ترک کردیم و اوایل ساعات بامداد به خدمتش رسیدیم. هم‌راهن من همگی دکتر ستوده را از لابلای آت‌راش می‌شناختند و اکنون با اصغر‌های که استوار بر سینه کوه مانده است، روبرو می‌شوند. اگرچه جای سیلی روزگار را بر چهره‌اش می‌دیدیم اما صخره همچنان صخره بود از زندگی خودش را بیان کرد که باید روزی روزگاری چاپ شود. استاد ما، منوچهر ستوده در بیست و هشتم تیر ۱۳۹۲ در تهران متولد شدند. در دوران تحصیل در دبیرستان البرز کتابدار کتابخانه دبیرستان هم بود. سال ۱۳۱۳ به دانشسرای عالی وارد شد و استانی‌های همچون سیدمحمد مشکوه و علی‌اکبر شهبانی داشت. نخستین مقاله خود را در ۱۳۱۵ درباره (مطالعات تاریخی و جغرافیایی مسافرت به قلعه الموت) نوشت. در سال ۱۳۱۷ درجه لیسانس در رشته ادبیات فارسی را دریافت کرد. در همین دوره در اداره فرهنگ گیلان و دبیرستان شرف تهران تدریس کرد. در سال ۱۳۲۴ با خانم فاطمه (شکوه قدس)



هادی حیدری

cartoononline.persianblog.ir

## کارتون خواب

## کلبه کوچک من

### غصه‌ها را چگونه جارو کنیم؟ ۱۲

اردشیر خرمکوب

می‌خواهم بگویم: هر چقدر تیزی غصه‌ها و رنج‌ها و آشفتگی کارهای معطل ما بیشتر باشد، روان و عاطفه‌ها ما به معرض خراش و آسیب بیشتری درمی‌افتد. یک چنین اوضاعی اصلا به من و امثال من که در این سلول‌های کوچک گرفتاریم، محدود نیست. یک نفر ممکن است در متن و غوغای زندگی و در کنار همسر و فرزند و دوستان خود، به زخم روان و عاطفه گرفتار آید و راهی نیز برای برطرف کردن نگرانی‌ها و اضطراب‌های مکرر خود نیابد. من در مطالعه قرآن، احساس کردم سه دریاچه از سوره بقره، سرا به دنیایی می‌برند که پر از اکسیژن تازه و طبیعی‌اند. اکسیژنی که نه در کارخانه‌های صنعتی و نه در قلب جنگل‌های برطرف و باران خورده آفریقا، که از متن آه‌های سوزان و از عبور دعاهای ناب و ناز برآمده است. اکسیژنی که می‌تواند نفس تازه‌ای به تک‌تک ذرات وجود من تزریق کند و نگرانی‌ها و خراش‌های لاعلاج مرا به امید و نشاط و شوق بدل سازد. کافی است شما سر به درون هر یک از این دریاچه‌ها فرو کنید و نفس بکشید. ناگهان با همه ذرات و سلول‌های وجودتان حس می‌کنید این اکسیژن ناب، جان تازه‌ای به شما بخشوده و شما را از کسالت و نفس‌تنگی پیشین به در آورده است. پیشنهاد من، هم برای خودم و هم برای شما این است: هر وقت، در هر کجای دنیا، به مشکل لاینحل و ویران‌گری گرفتار آمدید، به در آورده بدل کرده و خلاصه شرمندهم، اگر به هر دردی درمانی گرفتار آمدید، سر به اندرون این سه دریاچه فروریزید و با تمام توان نفس عمیق بکشید. کدام سه دریاچه؟ خواهم گفت.

ادامه دارد

کارگردان فریدون جیرانی

# قصه پریشان

تهیه کننده: مرتضی شایسته

مهاجر افشار، مصطفی زمانی، باران کوفری، ستاره اسکندری و بیژن امکانیان

آهر خرمند، سرشار دولت آبادی، حبیب فاضلی

مهرمان افشار، مصطفی زمانی، باران کوفری، ستاره اسکندری و بیژن امکانیان

آهر خرمند، سرشار دولت آبادی، حبیب فاضلی

برنامه سینماهای: آزادی، فرهنگ، اریکه ایرانیان، پردیس ملت، ایران، فلسطین، پردیس زندگی، پارس، ماندانا، عصر جدید، مرکزی و ...